

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

منصور حکمت

*بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی که گریبان بورژوازی ایران را گرفته است، نشانی از فروکش کردن ندارد

*بساط سلطنت با انقلاب هر چند ناکام ۵۷ در هم پیچیده شد

*امروز جمهوری اسلامی نیز به همان عاقبت نزدیک میشود

نه آریایی‌گری آمریکایی شاه و نه خرافات اسلامی و قیل و قال پان‌اسلامیستی خمینی و شرکاء و نه نسل‌کشی و جنایات غیرقابل توصیف هر دو رژیم علیه بشریت و آزادی، هیچیک پاسخ این بحران نبود و نمیتوانست باشد - زیرا "مسأله" و "بحران"، در نفس وجود اجتماعی بورژوازی و حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه نهفته است - انقلاب ۵۷ تنها علیه سلطنت نبود، همچنانکه خیزش انقلابی عظیم آتی نیز تنها برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور نخواهد داشت - انقلاب ۵۷ استثناء نبود، بلکه نخستین جلوه قاعده‌ای بود که از این پس، تا در هم کوبیده شدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه‌داری در ایران، تاریخ ایران را شکل خواهد داد. بحران اقتصادی و بحرانهای سیاسی و حکومتی دائمی، حرکت‌های اعتراضی گسترده که تنها با دوره‌های کمابیش کوتاه عقب‌نشینی و رکود نسبی از یکدیگر جدا میشوند، خیزش‌های انقلابی با فواصل کم و کمتر، گشوده شدن و باز هم گشوده شدن مسأله قدرت سیاسی در سطح جامعه و در جریان همه اینها، قدرت‌گیری روزافزون پرولتاریا و پیشروان کمونیست او، این آن دورنمای واقعی است که بورژوازی در ایران بطور عینی با آن روبروست صرف‌نظر از اینکه این یا آن دار و دسته دولتی رسمی‌اش بتواند چند روز، چند ماه و یا احياناً چند سال تعادل خود را در رأس ماشین دولتی حفظ کند.

در چنین شرایطی، و با چنین کابوسی، اینک دیگر تمام اقشار بورژوازی به تکان و تکاپو افتاده‌اند. تابلوهای نجات میهن سرمایه یکی پس از دیگری بالا رفته‌اند و از فرط کثرت دیگر حتی بخاطر سپردن و شمردن همه آنها نیز میسر نیست - "جمهوری اسلامی با خمینی، بدون لاجوردی"، "جمهوری اسلامی با رجوی دمکراتیک"، "جمهوری سوسیال دمکراتیک اسلامی"، "ناسیونالیسم اسلامی"، "ناسیونالیسم غیر اسلامی"، "ناسیونالیسم آریایی"، "ناسیونالیسم آمریکایی"، "سلطنت خوان کارلوسی"، "سلطنت آریامهری"، "حکومت ژنرالی"، "جمهوری پارلمانی"، یا "اصلاً اشغال نظامی توسط آمریکا"، "بالآخره باید یکی از اینها را قبل از اینکه آوار جمهوری اسلامی روی سر همه خراب شود بر قرار کرد" - این رویای آشفته بورژوازی است - اینها عناوینی است که همه به یک اوضاع واحد رجوع می‌کنند، ختم انقلاب و هر نوع حرکت انقلابی و حفظ، دوام و بقاء توحش بورژوازی در ایران.

در مقابل همه این تکاپوها و توطئه‌ها برای خواباندن صدای انقلاب و قیچی کردن روند انقلابات و بحرانهای انقلابی پی در پی، کارگران انقلابی ایران یک شعار را مطرح میکنند، شعاری که گویای

حضور پیگیر طبقه کارگر ایران در تمام سیر پر تحول و پر افت و خیز جاری و آتی تا تحقق اهداف نهایی است.

شعاری که انگیزه و نیروی محرکه حرکت رو به جلوی مبارزه طبقاتی و انقلابی در ایران را در یک عبارت کوتاه بیان میکند: "آزادی، برابری، حکومت کارگری" این شعار کارگران انقلابی است. این شعاری است که تمام حرکتهای انقلابی در ایران معاصر، از انقلاب ۵۷ تا پیروزی نهایی را به هم مرتبط میکند.

"آزادی" یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه‌داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت‌آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بیحقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پيله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش‌های خرافه‌آمیز و عقب‌مانده جامعه موجود، رهایی از ستم‌های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

"برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره‌مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایق آمدن بر هر عقب‌ماندگی و کمبود - برابری‌ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

"حکومت کارگری"، یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استثمارشدگان و تولیدکنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استثمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناجیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه، نفس موجودیت و ثروت آن، بر کار و تلاش مدام آنها بنا شده است، حکومت کارگری یعنی طبقه کارگر متشکل بعنوان قدرت و طبقه رهایی‌بخش حاکم. حکومت کارگری یعنی حکومت سرکوب مقاومت استثمارگران در برابر رهایی بشریت تحت ستم. حکومت کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتاریا علیه مدافعان فقر و فلاکت و استثمار و جهل و خرافه. حکومت کارگری یعنی دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان و استثمار شونده‌گان و سرکوب برای استثمارگران. حکومت کارگری یعنی ضمانت اجرایی واقعی آزادی و برابری.

پاسخ بورژوازی به این شعار پرولتاریا کاملاً روشن است. بورژوازی در برابر این شعار در سراسر جهان تنها یک پاسخ دارد و آن سرکوب، قهر و ارتجاع عریان ضد پرولتری است. جمهوری اسلامی خود تنها جزئی از این پاسخ و یک نمونه زنده آن است. اما لیبرال-چپ‌ها و خرده-بورژوا فرمیستهایی که خود را به انقلاب و یا حتی سوسیالیسم می‌چسبانند نیز، هر قدر از اوضاع موجود

ناراضی باشند و بر سر اوضاع و "آلترناتیو" مطلوب میان خود اختلاف داشته باشند، پاسخ کمابیش یکسانی را در مقابل ما قرار میدهند. مجموعه‌ای از تهدیدات، تحریفات و غرولندها خطاب به کارگران کمونیست پرتاب میشود: "حکومت کارگری؟! این یک توهم است. مگر ارتش آمریکا را نمی‌بینید، مگر قدرت مذهب را نمی‌بینید؟ مگر عقب‌ماندگی فرهنگی جامعه را نمی‌بینید؟ مگر نمی‌بینید که بخش اعظم مردم مذهبی اند، روستایی اند، غیرپروولتر اند؟ صنعت ما برای جامعه سوسیالیستی شما به اندازه کافی رشد نکرده است. آخر کارگران کم‌سواد و بی‌اطلاع شما چگونه قرار است جامعه مدرن امروز را اداره کنند؟ با کدام نیرو می‌خواهید حکومت کارگری را برقرار کنید؟ کدام کارگر، کدام طبقه کارگر متحد، کدام حزب طبقاتی، کدام نیروی متشکل برای تحقق این شعار وجود دارد؟ مگر شعارهای امروز مردم را نمی‌بینید؟ کسی در ایران زیر بار حکومت کارگری نخواهد رفت. زود است، غیر ممکن است، عملی نیست، توهم است."

بخش اعظم این نوحه‌خوانی‌ها را اراجیف و چرندیاتی تشکیل میدهد که آگاهانه جعل شده‌اند و بخش دیگر نیز بیان فرصت‌طلبانه و ریاکارانه واقعیاتی است که بطور عینی سد راه حکومت کارگری و تحقق برنامه کمونیستی است. این واقعیات برای ما موانعی است که باید برچیده شود و برای بورژوازی و خرده بورژوازی سنگرهایی است که باید در برابر پروولتاریای انقلابی حفظ گردد. اساسی‌ترین مانع تحقق فوری شعار ما، کمبود آگاهی طبقاتی، تفرقه و ضعف سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر ایران است. آری، اگر کارگران ایران متحد بودند، به منافع طبقاتی خود واقف بودند، در حزب سیاسی انقلابی خود، حزب کمونیست ایران، گرد آمده بودند، آنگاه استقرار حکومت کارگری کار یک روز بود. ما برای نزدیک‌تر کردن آن "روز" مبارزه میکنیم و این شعار خود یک ابزار مهم ما در این مبارزه است. این شعار امروز آگاه و بسیج و متشکل میکند و فردا عملی میشود و به حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه خاتمه میدهد.

تحقق این شعار، یعنی تحقق بخش حداکثر برنامه حزب کمونیست ایران، مستلزم بوجود آوردن درجه بالایی از آگاهی و تشکل در میان طبقه کارگر ایران است. آگاهی و تشکلی که در انزوا از جامعه و در ماوراء جامعه به دست نمی‌آید، بلکه باید در دل همین مبارزات جاری و خیزشهای پی در پی انقلابی و از طریق کار پیگیر کمونیستها به دست آید. طبقه کارگر باید از هر دوره و عرصه مبارزه طبقاتی و انقلابی آگاه‌تر، و متشکل‌تر و با پیوندی عمیق‌تر با حزب خود، حزب کمونیست، به جلو گام بردارد. شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" قطب‌نمای حرکت پیوسته ما از دل نبردهای متعدد و عرصه‌های متنوع مبارزه است.

اگر هم‌اکنون نیروی کارگران آگاه و متشکل فوراً و بلافاصله برای تصرف قدرت سیاسی و استقرار حکومتی که قادر به در هم کوبیدن مقاومت کلیه دشمنان پروولتاریا و سوسیالیسم باشد، کافی نیست، انرژی و مطالبات انقلابی در توده وسیع کارگران و زحمتکشان و اقشار تحت ستم جامعه برای آنکه پروولتاریای کمونیست مبارزات جاری را از زیر دست و بال بورژوازی و خرده بورژوازی بیرون بکشد و با رهبری خود آن را به عمیق‌ترین نتایج ممکن سوق دهد، وجود دارد. این امکان بطور عینی و واقعی وجود دارد که مبارزات و اعتراضات موجود به جنبشی عظیم برای دموکراسی انقلابی تبدیل شود. حاکمیت دموکراتیک انقلابی‌ای که بار بحران اقتصادی نظام موجود را بر سر بورژوازی خراب

می‌کند و آنچنان دموکراسی وسیع و گسترده‌ای را برقرار می‌سازد که بر داشتن گام بعدی به انقلاب سوسیالیستی و استقرار حکومت کارگری را به مراتب ساده‌تر می‌سازد. دموکراسی انقلابی‌ای که در عین پاسخگویی به عاجل‌ترین نیازهای توده‌های وسیع تحت ستم و استثمار، بهترین شرایط ممکن برای بسیج و تشکل طبقاتی عظیم کارگران برای دستیابی قطعی به قدرت سیاسی را به وجود می‌آورد. ما در پرتو شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" برای ایجاد چنین شرایطی و برقراری چنین حاکمیت دموکراتیک انقلابی‌ای در سطح جامعه نیز مبارزه می‌کنیم. کارگران کمونیست آماده‌اند تا بر مبنای یک پلاتفرم انقلابی و دموکراتیک، یعنی بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران، در رأس و با شرکت کلیه افسار تحت ستم و استثمار و کلیه نیروهای اجتماعی که خواهان تحول عمیق دموکراتیک در جامعه موجود هستند، یک "جمهوری دموکراتیک انقلابی" تشکیل دهند. کارگران کمونیست، از هم‌اکنون در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران، برای گردآوری قوا و تشکل کل نیروهای دموکراسی انقلابی، در هم کوبیدن جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک جمهوری دموکراتیک انقلابی فراخوان داده‌اند.

جمهوری دموکراتیک انقلابی شعار تاکتیکی حزب کمونیست ایران در شرایط کنونی است. این جمهوری به مطالبات دموکراتیک توده‌های تحت ستم و استثمار جامعه، کارگران، زحمتکشان تهیدست در شهر و روستا، زنان، خلق‌های تحت ستم و کلیه انسانهای شریفی که خواهان دموکراسی وسیع سیاسی هستند، به خواسته‌های تمام کسانی که از بحقوقی سیاسی، اختناق، ارتجاع مذهبی و کل قوانین ارتجاعی که بر محیط کار و زیست مردم جامعه حکمفرماست به تنگ آمده‌اند، جامه عمل می‌پوشاند. اداره کشور به شوراهای واقعی خود مردم سپرده می‌شود، یوروکراسی ممتاز و مافوق مردم برچیده می‌شود و دموکراسی مستقیم برقرار می‌گردد، تسلیح عمومی مردم ضامن اجرایی دفاع از دستاوردهای انقلاب قرار می‌گیرد. در این جمهوری حق تعیین سرنوشت ملل ساکن ایران تضمین خواهد شد، قانون کار دموکراتیک پرولتاریای انقلابی فوراً به مورد اجرا در خواهد آمد. دستگاه قضایی بورژوازی برچیده می‌شود و دادگاه‌های مردم با قضات و هیئت منصفه انتخابی جانشین آن خواهد شد. بیمه بیکاری و بیمه‌های اجتماعی در سطح وسیع معمول خواهد شد. برابری زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و صنفی اعلام خواهد گشت.

بهداشت، آموزش و مسکن مناسب حق سلب‌ناپذیر هر شهروند اعلام خواهد شد و کلیه امکانات لازم برای تحقق عملی این حقوق در اختیار شوراهای مردم قرار خواهد گرفت. در یک جمله، جمهوری دموکراتیک انقلابی بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران را عملی خواهد کرد.

جمهوری دموکراتیک انقلابی پاسخ فوری حزب کمونیست و پرولتاریای انقلابی در برابر جمهوری اسلامی و کلیه طرح و نقشه‌های "آلترناتیو"ی است که امروز اپوزیسیون بورژوازی و خرده بورژوازی تبلیغ می‌کنند. نیروی واقعی اجتماعی برای تحقق این اهداف فوری با سرنگونی جمهوری اسلامی هم‌اکنون بالقوه موجود است. نیرویی بمراتب عظیم‌تر از توان مدافعان هر یک از "راه حل"های بورژوا-اسلامی و بورژوا-سلطنتی‌ای است که اپوزیسیون بورژوازی و خرده بورژوازی سودای تحمیل آن را به توده مردم ایران دارد. جمهوری انقلابی و دموکراسی انقلابی وسیعی که این جمهوری متضمن آن است در عین حال افساگر دموکراتیسم دروغین و لیبرالیسم و فرمیسم حقیر این اپوزیسیون نیز

هست. ما شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به موازات شعار "سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک انقلابی" از هم‌اکنون تبلیغ میکنیم. ما از هم‌اکنون دست اندر کار بسیج و تشکل نیروهای انقلاب بی چون و چرای پرولتری هستیم. ما اعلام میکنیم که جمهوری دمکراتیک انقلابی، با تمام پیشرویها و دستاوردهای دمکراتیک خود، و با تمام نقشی که در مبارزه برای رهایی دارد، پایان کار نیست و مبارزه طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران برای رهایی قطعی تا برقراری حکومت کارگری و سوسیالیسم بیوقفه ادامه خواهد یافت. خرده بورژوا-فرمیست‌های مدعی "مارکسیسم" خرده‌میگیرند که جمهوری انقلابی ما، با نظام شورایی و تسلیح عمومیش و با برنامه گسترده عملیش، چیزی جز همان حکومت کارگری تحت نام دیگری نیست. ما اذعان میکنیم که این جمهوری بسیار فراتر از هر توقع و تصور "بورژوا-دمکراتیک" چنین کسانی است. ما اذعان میکنیم که همین جمهوری بمراتب از "سوسیالیسم" روسی و چینی و بلغارستانی و آلبانیایی اینان (که چیزی جز سرمایه‌داری دولتی تحت نام سوسیالیسم نیست) به سوسیالیسم "نزدیکتر" است. زیرا یک ابزار انقلابی پیشروی پرولتاریا است. اما در همان حال به هیچ کس، و بویژه به هیچیک از تحریف‌کنندگان سوسیالیسم اجازه نخواهیم داد تا افق کارگران را از سوسیالیسم واقعی و حکومت کارگری این چنین کاهش دهند. حکومت کارگری‌ای که این جمهوری تنها زمینه‌ساز آن و شرایط مساعدی برای گردآوری قوای آن خواهد بود، حکومتی است که جدال اساسی طبقه کارگر را برای لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و جایگزینی تولید و مناسبات اجتماعی سوسیالیستی بجای نظام استثمارگر سرمایه‌داری در کلیه وجوه آن و در برابر کلیه مخالفان آن به پیش خواهد برد. حکومت کارگری، حکومت کارگران برای برقراری سوسیالیسم است. حکومت کارگری حکومتی برای تضمین رهایی قطعی است. جمهوری دمکراتیک انقلابی تنها یک گام، باشد که گامی بسیار مهم، در این جهت خواهد بود.

منصور حکمت

۲۸ آبان ۱۳۶۳

کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران شماره ۱۴، ۳۰ آبان ۱۳۶۳